

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوچ

تحقیر ترامپ در
تنگه هرمز

پیام قاطع به ترامپ: عبور از تنگه هرمز بدون اجازه ایران ممکن نیست

و به تمام کشتی‌های تجاری و نفتکش اعلام می‌کنیم از هرگونه اقدامی برای تردد بدون هماهنگی نیروهای مسلح مستقر در تنگه هرمز خودداری نمایند تا امنیت آنها به خطر نیفتد. سرلشکر علی عبداللهی به آمریکا هشدار داد: هر نیروی مسلح بیگانه به‌ویژه ارتش متجاوز آمریکا، چنانچه قصد نزدیک شدن و ورود به تنگه هرمز را داشته باشند مورد تهاجم قرار خواهند گرفت.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا همچنین تأکید کرد: حامیان آمریکای شرور مراقب باشند و کاری نکنند تا با پشتیبانی غیرقابل جبران مواجه شوند زیرا اقدام تجاوزکارانه آمریکا برای برهم زدن شرایط کنونی جز پیچیده‌تر شدن وضعیت و به خطر افتادن امنیت شناورها در این محدوده نتیجه‌ای نخواهد داشت.

سردار حسین محبی سخنگو و معاون روابط عمومی سپاه پاسداران نیز در واکنش به بیانیه‌های بی‌پایه مقامات و نهادهای آمریکایی در موضوعات دریایی و خلیج فارس و اطلاعاتی موسسه تجارت دریایی انگلستان گفت: هیچ تغییری در روند مدیریت تنگه هرمز ایجاد نشده است.

بود که هرگونه عبور و مرور از تنگه هرمز بدون اخذ مجوز رسمی از ایران امکان‌پذیر نیست و هرگونه نادیده گرفتن این هشدار، با پاسخ قاطع نیروهای مسلح روبرو خواهد شد.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا هم در پیامی ضمن تأکید بر اشراف و مدیریت نیروهای مسلح ایران بر تنگه هرمز، گفت: در هر شرایطی هرگونه عبور و مرور امن از این تنگه با هماهنگی نیروهای مسلح صورت می‌گیرد. سرلشکر علی عبداللهی تأکید کرد: سران جنایتکار و ارتش متجاوز و تروریست آمریکا که مدتی هست در آب‌های آزاد و بین‌المللی جهان به سرقت و دزدی دریایی روی آورده‌اند و امنیت تجارت و اقتصاد جهانی را در معرض خطر قرار داده‌اند، خود و هم‌پیمانان آنها باید درک کرده باشند که ملت مقاوم و شجاع و نیروهای مسلح آماده و مقتدر ایران اسلامی تاکنون در عمل ثابت کرده‌اند که به هرگونه تهدید و تجاوز دشمن در هر سطحی و در هر منطقه‌ای از ایران بسیار سخت و پشیمان کننده پاسخ می‌دهند.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا اعلام کرد: ما با تمام توان امنیت تنگه هرمز را حفظ و پر قدرت مدیریت می‌کنیم

اطخار قاطع و سریع داده است. این اخطار باعث شده ناوشکن‌های دشمن به محدوده تنگه هرمز وارد نشوند.

خبرگزاری فارس در همین زمینه نوشت: منابع خبری محلی در جنوب از اصابت دو موشک به یک ناوچه نیروی دریایی آمریکا خبر می‌دهند. این ناوچه که با نقض امنیت تردد و کشتیرانی در حوالی جاسک به قصد عبور از تنگه هرمز حرکت کرده بود، پس از بی‌توجهی به هشدار نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، هدف حمله موشکی قرار گرفت. به گزارش این منابع، ناوچه آمریکایی بر اثر این اصابت‌ها از ادامه مسیر بازمانده و مجبور به عقبگرد و فرار از منطقه شده است.

جمهوری اسلامی ایران پیش از این بارها اعلام کرده

پس از آن که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور تروریست آمریکا مدعی شد که از صبح دوشنبه تنگه هرمز برای عبور کشتی‌ها باز می‌شود و ایران را تهدید کرد که مانع عبور و مرور از تنگه هرمز نشود، روز گذشته نیروهای دریایی سپاه و ارتش، تسلط خود بر تنگه هرمز را به رخ آمریکا کشیدند. ظهر دوشنبه ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد از ورود ناوشکن‌های دشمن به تنگه هرمز جلوگیری کرده است. روابط عمومی ارتش در یک خبر فوری اعلام کرد که نیروی دریایی به ناوشکن‌های دشمن آمریکایی صهیونی،





امنیت سرمایه‌گذاری در خلیج فارس و فرصت تازه مناطق آزاد ایران

فردین کریمی

جنگ اخیر نشان داد اتکای بخشی از تجارت، تسویه ارزی و ثبت شرکت‌های ایرانی به امارات، در زمان بحران می‌تواند به یک آسیب‌پذیری امنیت اقتصادی تبدیل شود. استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی خود در برخی کشورهای خلیج فارس و گزارش‌هایی درباره محدودیت‌های جدید امارات علیه ایرانیان، تصویر امن و بانبات این کشور برای سرمایه‌گذاران ایرانی را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، احیای نقش مناطق آزاد ایران از مسیر اصلاح مشوق‌های سرمایه‌گذاری، تسهیل گمرکی، یکپارچه‌سازی مجوزها، توسعه زیرساخت‌های مالی و مدیریت هوشمند تنگه هرمز می‌تواند زمینه بازگشت بخشی از سرمایه و تجارت ایرانیان از هاب‌های منطقه‌ای به داخل کشور را فراهم کند. مسیر اقتصاد/ با شروع جنگ تحمیلی از طرف ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی با هدف حذف ساختار سیاسی مستقر و تحول در نظام تصمیم‌گیری، ایستادگی و مقاومت نیروهای نظامی با پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه مردم اهداف متجاوزان محقق نشد و جمهوری اسلامی توانست با حفظ ساختارهای قدرت خود با پاسخ‌های متناسب و بازدارنده، پیروز راهبردی جنگ نظامی باشد و متجاوزان را از رسیدن به اهداف بازدارد.

تبدیل پایگاه‌ها آمریکا در خلیج فارس به نقطه آسیب‌پذیری امنیتی
همراهی کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله، امارات، قطر، بحرین و عربستان با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در این تجاوز و استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی خود از خاک آن‌ها، سبب شد جمهوری اسلامی با حمله به این پایگاه‌های نظامی و منافع آمریکا در این کشورها، آن‌ها را به بخشی از بانک اهداف خود در این جنگ تبدیل کند. حملات ایران به پایگاه‌های نظامی و منافع ایالات متحده و بخشی از زیرساخت‌های منطقه‌ای وارد کردن آسیب‌های قابل توجه به آن‌ها، به حاکمان سیاسی و سرمایه‌گذارانی که این کشورها را جایگاه امن سرمایه‌گذاری می‌دانستند اثبات کرد که حضور پایگاه‌های آمریکایی نه تنها ضامن امنیت سرمایه‌های آن‌ها نیست بلکه می‌تواند زمینه نامنی را افزایش دهد.

فرصت ایران برای بازاریابی تجارت منطقه‌ای پس از ناامن شدن امارات
هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌خصوص امارت می‌تواند معادلات سرمایه‌گذاری و تجاری در منطقه را به نفع ایران تمام کند. شرایط تحریمی ایران سرمایه‌گذاران و شرکت‌های متعدد ایرانی را مجبور کرده بود در راستای تغییر اسناد تجاری، تبادلات بانکی به‌خصوص تسویه‌های ارزی و در کل دور زدن تحریم‌ها، بخشی از سرمایه خود را به امارات منتقل کرده و شرکت‌های تجاری خود را در آنجا ثبت کنند. ثبت شرکت‌ها و صادرات مجدد کالاها از امارات به دیگر کشورها و رونق لجستیک کالا از نادر امارات و همچنین تسویه‌های ارزی، سالانه درآمد‌های قابل توجهی را برای این کشور به وجود می‌آورد. بر اساس برخی از آمارها ۳۰ درصد تبادلات تجاری بندر جبل علی امارات مربوط به تجار ایرانی بوده است.

چگونه امارات و قطر به هاب تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه تبدیل شدند؟
مطالعات نشان می‌دهد کشورهای چین آمریکا و قطر طی سه دهه گذشته توانسته‌اند با سیاستگذاری صحیح و هدفمند در حوزه تدوین مشوق‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و همچنین زیرساخت‌های تبادلات مالی، بسترهای جذابی جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی از جمله ایرانی‌ها باشند. توسعه فعالیت‌های تجاری در مناطق آزاد امارات سبب شده است این مناطق به هاب‌های لجستیک و مراکز تبادلات مالی جهان تبدیل شوند و درآمد سالانه این مناطق از ارائه خدمات بیش از درآمد‌های نفتی ایران باشد.

لزوم نقد کردن دستاوردهای میدان نظامی در حوزه تحریم و سرمایه‌گذاری
در شرایطی که جمهوری اسلامی توانسته در میدان نظامی دشمنان خود را ناکام بگذارد و آن‌ها را مجبور به مذاکره کند، حفظ دستاوردهای میدان نظامی باید خط قرمز دیپلمات‌های ایرانی باشد. به‌طور قطع رفع تحریم‌های اقتصادی به‌خصوص در حوزه‌های بانکی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی باید در اولویت امتیازگیری و نقد کردن دستاوردهای میدان نظامی باشد. در کنار رفع تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه، تدوین مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد ایران که ظرفیت‌های کم‌نظیری از جهت موقعیت جغرافیایی و دسترسی به کشورها به‌خصوص همسایگان در چهار جهت جغرافیایی هستند، می‌تواند این مناطق را به جایگزینی برای مناطق آزاد کشورهای چون امارت و قطر تبدیل کند و مناطق آزاد ایران به عنوان هاب‌های جدید لجستیکی و مرکز تبادلات مالی تجار و ارائه خدمات بازرگانی در جهان تبدیل شود. مدیریت تنگه هرمز و تدوین رژیم حقوقی متناسب در این تنگه می‌تواند پشتیبان تحقق این اهداف باشد.

احیای مناطق آزاد ایران برای جذب سرمایه و کاهش وابستگی به امارات
مناطق آزاد ایران در سه دهه گذشته به واسطه سیاستگذاری‌های ناصحیح و غیرکارشناسی و اعمال محدودیت‌های سرزمین اصلی برآن‌ها رفته رفته مزیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری خود را از دست دادند و روز به روز بر جدایی‌های حضور سرمایه‌گذاران در این مناطق گاسته شد. در شرایطی که امارات تصمیم به مسدودسازی دارایی‌های ایرانیان مقیم امارات گرفته و در نظر دارد به صورت یکجانبه اقامت ایرانیان را ابطال کند، اصلاح ساختارها و احیای جداییت‌های و مشوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله معافیت‌های مالیاتی هفندمد، معافیت‌های گمرکی، صدور یکپارچه مجوزهای سرمایه‌گذاری، تسهیل و یکپارچه‌سازی فرآیندهای گمرکی، توسعه زیرساخت‌های تبادلات مالی، تسهیل و یکپارچه‌سازی سامانه‌های سرمایه‌گذاری و تجاری باید در دستور کار سیاستگذاران قرار گیرد تا مناطق آزاد بتوانند در دوران بسا جنگ با ایفای نقش مؤثر خود در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و یا سرمایه ایرانی‌های مقیم خارج در توسعه اقتصادی کشور نقش آفرینی کنند.



پاداش کلان شرکت سپرده‌گذاری مرکزی از محل سود سهام عدالت

گزارش

نایب‌رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس گفت: سود رسوب‌کرده سهام عدالت ۱۸۰ همت است و شرکت سپرده‌گذاری مرکزی از محل آن در اسفندماه به اعضایش پاداش پرداخت کرده است. به گزارش ایلنا، روح‌الله ایزدخواه، نایب‌رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس شورای اسلامی گفت: در دولت آقای روحانی تلاش شد تا سهام عدالت جمع شود. دولت‌ها به طرق مختلف در این ۲۰ سال مسیر را مسدود کردند. وی ادامه داد: «اولا قرار بود جاماندگان سهام عدالت اضافه شوند که هیچ‌گاه اینگونه نشد. یعنی سهام‌داران عدالت ۴۹ میلیون نفر در این سال‌ها باقی ماندند. در حالی که، براساس قانون باید جاماندگان در دوره‌های بعد دیده

می‌شدند. نایب‌رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت مجلس شورای اسلامی، دومین خلاف را اینگونه برشمرد: دوم اینکه در اداره امور تعاونی‌های سهام عدالت تا توانستند سنگ اندازی کردند که خلاف قانون تجارت و خلاف اولویت‌های نظام بود که تأکید بر بحث تعاونی است. وی ادامه داد: نمی‌دانم چه پدرکشتگی یا تعاونی‌ها داشتند که تلاش شد و می‌شود که تعاونی‌ها جمع شوند؟ و وقتی ما می‌گوییم چرا؟! آقایون می‌گویند: «تعاونی صلاحیت ندارد و اعضا و هیات‌رئیسه آن توانمند نیستند. مگر مردم می‌توانند خودشان سهام را اداره کنند؟». ایزدخواه افزود: ما در جواب می‌گوییم: «شما در طول این ۲۰ سال دسته‌گل‌هایی به آب دادید؟ ۶۰هزار هکتار اراضی دولتی را به افرادی دادید که آن‌ها همه درست اداره شد؟ حالا که نوبت به تعاونی‌ها رسید، شما حافظ کارآمدی و مدافع شده‌اید؟»

نایب‌رئیس فراکسیون نظارت بر نظام تعاون و سهام عدالت

مجلس شورای اسلامی افزود: از طرفی، قانون تعاون داریم. قانون تعاون کشور ما جزویکی از بهترین قوانین تعاون دنیاست و راه کارآمدسازی تعاون دیده شده است. ما می‌گوییم: «اگر می‌خواهید مدل صلاحیت حرفه‌ای برای اعضای هیات‌ریسه تعاونی‌ها تشکیل بدهید، انجام دهید، چرا با اصل تعاون مشکل دارید؟»

ایزدخواه افزود: این افراد می‌خواهند هر مسریزرگ کردن اولیگارش‌ی اقتصادی را این دفعه با حذف تعاونی‌های سهام عدالت دنبال کنند. تعاونی‌ها را حذف و خلع ید کنند و تعاونی نباشد که سهام عدالت را مدیریت کند و سهام عدالت دست ۴۹ میلیون نفر باشد، تا این افراد مخیر باشند که سهام را نگه دارند یا در بورس عرضه کنند. وقتی مردم نتوانند از سهام بهره‌ای ببرند آن را می‌فروشند، درنهایت مشخص است که دست‌چه افرادی خواهد افتاد. این هدف خطرناکی است و ما احساس می‌کنیم که آقایون از جای دیگری خط

تولیدکننده مصالح ساختمانی انتظار دارد بخشی از افزایش هزینه‌ها را به مشتریان منتقل کند و تصمیم، افزایش هزینه حمل‌ونقل ناشی از جنگ و اختلال موقت در زنجیره تأمین عنوان شده که بر دسترسی به محصول شیر خشک نوزاد با برچسب چین در بزرگ‌ترین بازار این شرکت اثر گذاشته است.

شرکت Fonterra، تولیدکننده بزرگ لبنیات نیوزیلند، نیز اعلام کرده جنگ بر زنجیره تأمین این شرکت اثر گذاشته و می‌تواند در نیمه دوم سال، موجودی انبار و هزینه‌های آن را افزایش دهد. این شرکت همچنین از نقش جنگ در افزایش نوسان قیمت کالاهای جهانی خبر داده است. شرکت Woolworths، در بخش خرده‌فروشی، اعلام کرده جنگ غرب آسیا اینها قابل توجهی برای مشتریان و تأمین‌کنندگان ایجاد کرده و فشار هزینه زندگی را که از پیش بالا بوده، تشدید کرده است. این شرکت هشدار داده رشد سودبخش غذای داخلی در سال مالی ۲۰۲۶ دیگر به سطح ایامه پیش‌بینی شده نخواهد رسید، زیرا فشار قیمت سوخت و سرمایه‌گذاری برای حفظ مشتریان بر سودآوری اثر گذاشته است. Woolworths همچنین اعلام کرده از اول ماه مه قیمت ۳۰۰ قلم کالای اساسی خانوار را به مدت سه ماه ثابت نگه می‌دارد؛ تصمیمی که در شرایط افزایش فشار هزینه‌ای بر تأمین‌کنندگان استرالیاایی اتخاذ شده است.

افزایش هزینه در ساخت‌وساز، بسته‌بندی و لجستیک
شرکت Fletcher Building نیوزیلند اعلام کرده از مسیر زنجیره تأمین، مسیرهای حمل‌ونقل، هزینه انرژی و اثر گسترده جنگ بر تقاضای ساخت‌وساز در استرالیا و نیوزیلند، در معرض اثرات غیرمستقیم بحران قرار دارد. این

ملک‌های بزرگ استرالیا نیز آثار غیرمستقیم جنگ را در صورت‌های مالی خود لحاظ کرده‌اند. National Australia Bank اعلام کرده انتظار

از افزایش هزینه‌های انرژی و سایر کالاهای اساسی در نیمه دوم سال،

تأثیرات جنگ بر هزینه‌های انرژی و سایر کالاهای اساسی در نیمه دوم سال،

از ایرلاین‌ها تا بانک‌ها؛ فشار جنگ غرب آسیا بر شرکت‌های استرالیا و نیوزیلند

دارد در نیمه نخست سال مالی ۲۰۲۶، هزینه کاهش ارزش اعتبار آن‌ی به ۷۰۶ میلیون دلار استرالیا، معادل ۵۴۰۴۴ میلیون دلار آمریکا، برسد. این بانک اعلام کرده نوسان نرخ بهره در سه‌ماهه دوم، ضعف دلار نیوزیلند و افزایش ذخایر احتیاطی، نسبت سرمایه‌های اولیه اول عادی گروه را تا پایان مارس حدود ۲۰ واحد پایه کاهش می‌دهد. این بانک همچنین قصد دارد برای تقویت ترانزنامه، در برنامه سرمایه‌گذاری مجدد سود سهام نیمه نخست، تخفیف ۱.۵ درصدی اعمال کند تا سقف ۱.۸ میلیارد دلار استرالیا منابع جذب کند.

دومین بانک بزرگ استرالیا از نظر دارایی، نیز اعلام کرده شوک‌های بازار انرژی ناشی از جنگ در نیمه نخست سال مالی منتهی به ۳۱ از مارس به یکی از فشارهای سودآوری تبدیل شده و این بانک را به افزایش ذخایر احتیاطی واداشته است. حاشیه سود خالص واحد خزانه‌داری و بازارهای این بانک در اثر نوسان نرخ بهره مرتبط با جنگ ضعیف‌تر شده و چشم‌انداز ضعیف‌تر نیز موجب افزایش ذخایر احتیاطی شده است. ذخیره Westpac برای بدهی‌های مشکوک‌الوصول اکنون به بالاترین سطح از زمان هم‌گیری کرونا رسیده است.

کاهش سودآوری در صنایع پزشکی و خدمات مهندسی
شرکت Cochlear، تولیدکننده استرالیایی ایمپلنت‌های شنوایی، پیش‌بینی سود سال ۲۰۲۶ خود را به دلیل معاملات ضعیف‌تر در بازارهای توسعه‌یافته کاهش داده است. این شرکت به کند شدن حجم جراحی‌ها، کاهش ارجاع برای سمعک و ضعف اعتماد مصرف‌کننده اشاره کرده است. Cochlear همچنین اعلام کرده جنگ غرب آسیا خطر لغو سفارش‌ها، تأخیر در تحویل و افزایش ریسک دریافت مطالبات را بالا برده و فشار بر حاشیه سود و هزینه‌های بازاریابی ساختاری را تشدید کرده است.

شرکت Worley نیز برآورد کرده اثر منفی جنگ بر سود آسیا بر سود EBITA پایه این شرکت در سال مالی ۲۰۲۶ بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار استرالیا خواهد بود. این برآورد نشان می‌دهد شرکت‌های مهندسی و خدمات صنعتی نیز از مسیر هزینه، تأخیر پروژه‌ها و افزایش ریسک عملیاتی در معرض پیامدهای جنگ قرار گرفته‌اند. درمجموع، گزارش شرکت‌های استرالیایی و نیوزیلندی نشان می‌دهد جنگ غرب آسیا از مسیر افزایش قیمت سوخت، اختلال در حمل‌ونقل، کاهش اعتماد مصرف‌کننده، افزایش هزینه تأمین مالی و فشار بر زنجیره تأمین، به بخش‌های متنوعی از اقتصاد اقیانوسیه منتقل شده است. این روند نشان می‌دهد اقتصادهای دور از میدان جنگ نیز در برابر شوک انرژی و حمل‌ونقل ناشی از بحران‌های ژئوپلیتیکی، مصون نیستند.



کاهش می‌دهد. این تصمیم حدود ۴ درصد از پروازها و یک درصد از کل مسافران این شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرودگاه بین‌المللی اوکلند نیز از اختلال در پروازهای میان اوکلند و غرب آسیا خبر داده و اعلام کرده است تعداد مسافران مسیرهای غرب آسیا در ماه مارس نسبت به سال قبل ۸۱ درصد کاهش یافته و ظرفیت صندلی این مسیرها نیز ۷۳ درصد کمتر شده است. شرکت Qantas Airways، هواپیمایی پرچم‌دار استرالیا، نیز چشم‌انداز هزینه سوخت خود برای نیمه دوم سال را تا ۸۰۰ میلیون دلار استرالیا افزایش داده است. این شرکت همچنین اعلام کرده اجرای برنامه با خرید سهام ۱۵۰ میلیون دلاری خود را آغاز نکرده، زیرا قیمت سوخت جت به شدت افزایش یافته و نوسانی شده است. Qantas برای جبران افزایش هزینه‌ها، قیمت بلیت‌ها را بالا می‌برد و پروازها را به سمت مسیرهایی با تقاضای قوی‌تر مانند پاریس و رم هدایت می‌کند. این شرکت هم‌زمان ظرفیت داخلی خود را در سه‌ماهه منتهی به ژوئن حدود ۵ واحد درصد کاهش می‌دهد.

Virgin Australia نیز از افزایش هزینه سوخت در نیمه دوم سال مالی ۲۰۲۶ خبر داده است. این شرکت انتظار دارد هزینه سوخت آن که یکی از بزرگ‌ترین اقلام هزینه‌ای شرکت است، حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار استرالیا افزایش یابد. این شرکت در نیمه مارس اعلام کرد در حال تعدیل قیمت بلیت‌هاست، زیرا افزایش هزینه‌ها در بخش هواداری با وضعیت جنگی در غرب آسیا تشدید شده است.

اختلال در لبنیات، غذا و زنجیره تأمین مصرفی
جنگ غرب آسیا فقط شرکت‌های هواپیمایی را تحت فشار قرار نداده و آثار آن به بخش کالاهای مصرفی و مواد غذایی نیز رسیده است. شرکت

تأثیرات جنگ بر هزینه‌های انرژی و سایر کالاهای اساسی در نیمه دوم سال،

تأثیرات جنگ بر هزینه‌های انرژی و سایر کالاهای اساسی در نیمه دوم سال،



اتاق پایاپای ایران و عمان: راهی برای کاهش وابستگی به درهم امارات

انديشكده اقتصاد مقاومتی به تازگی گزارشی با عنوان «طرفیت عمان در کاهش وابستگی به درهم امارات» منتشر و ضمن بررسی نقاط ضعف وابستگی به امارات در تسویه ارزی، کانال‌های ارزی عمان را حائزویژگی‌هایی برای جایگزینی بخشی از این فرآیند دانسته است. براساس این گزارش عمان به دلیل روابط اقتصادی باثبات با ایران، موقعیت جغرافیایی مناسب، زیرساخت‌های بندری در حال توسعه و پذیرش ریال عمان در مرکز مبادله ارز و طلا، می‌تواند بخشی از مسیرهای تسویه ارزی ایران را از وابستگی به درهم امارات خارج کند.
با این حال، سخت‌گیری‌های بانکی عمان در حوزه تطبیق، مبارزه با پولشویی و احراز منشأ وجوه، باعث شده نقش این کشور در عملیات ارزی ایران محدود بماند.
باتوجه به مقیاس اقتصاد عمان، انتقال کامل تراکنش‌های ایران از امارات به عمان واقع‌بینانه نیست، اما انتقال ۴ تا ۶ میلیارد دلار از این جریان در گام نخست می‌تواند شدنی باشد؛ مشروط به اینکه توسعه دسترسی بانکی، عرضه ریال عمان در مرکز مبادله و راه‌اندازی اتاق پایاپای ارزی-تجاری ایران و عمان در دستور کار قرار گیرد.
ایران نباید عمان را به امارات دوم در تجارت خارجی تبدیل کند، بلکه باید با استفاده از ظرفیت‌های موجود در این کشور و اصلاح رویه‌های قبلی، الگویی کم‌هزینه‌تر و رسمی‌تر در مبادلات خارجی ایجاد کند.

به تازگی انديشكده اقتصاد مقاومتی گزارشی با عنوان «طرفیت عمان در کاهش وابستگی به درهم امارات» منتشر کرده است. بر اساس این گزارش عمان یکی از کشورهای دارای ظرفیت در گارسازی برخی از نیازهای ارزی ایران است. حجم تجارت دو جانبه بالغ بر ۲۰۷ میلیارد دلار، موقعیت جغرافیایی مطلوب، زیرساخت‌های بندری در حال توسعه و روابط اقتصادی باثبات، این کشور را به مستعدترین جایگزین منطقه‌ای امارات و مسیر گذار از وابستگی به درهم تبدیل می‌کند؛ مشروط به اینکه شیوه استفاده از ظرفیت عمان به گونه‌ای طراحی شود که مشابه امارات، ایران را با چالش امنیت اقتصادی مواجه نکند.
ریال عمان همانند درهم امارات به دلار میکوبوست شده است و ریسک نوسان ارزش ندارد؛ اما علی‌رغم اینکه این ارز در مرکز مبادله روز طلا پذیرش شده، تاکنون توسط تجار عرضه نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است.

سهم عمان از تسویه ارزی ایران چقدر است؟

در حال حاضر تجار ایرانی، تنها تراکنش‌های حساس دلاری که به انتقال فرامرزی سوبینتی نیاز دارند را در عمان انجام می‌دهند. ریشه این محدودیت را باید در بالا بودن توأمان هزینه و ریسک عملیات ارزی در این کشور جستجو کرد؛ چراکه بانک‌های عمالی، الزامات سخت‌گیرانه‌ای در حوزه تطبیق، مبارزه با پولشویی، احراز دقیق منشأ وجوه و مستندات KYC اعمال می‌کنند. به همین دلیل، تجار ایرانی ترجیح می‌دهند صرفاً برای تراکنش‌های معاف از تحریم (دارو و کالای اساسی) که امکان انجام آن از طریق منابع ارزی رسمی ایران در این کشور وجود دارد، از ظرفیت عمان استفاده کنند. در نتیجه، نقش آفرینی نظام مالی عمان در تعامل با ایران، در حداقلی‌ترین حالت ممکن قرار دارد. به عنوان نمونه طبق آخرین امارها، سه ساله کمتر از ۳۰۰ میلیون دلار از کانهای اساسی مورد نیاز ایران از مسیر شرکت‌های عمانی وارد کشور شده است؛ در حالی که این رقم برای شرکت‌های اماراتی بالغ بر ۳۰۳ میلیارد دلار و برای شرکت‌های ترکیه‌ای ۱۰۷ میلیارد دلار بوده است.

عمان جایگزین امارات می‌شود؟

اگرچه ضرورت دارد بخشی از تسویه ارزی ایران که تا پیش از این از مسیر امارات انجام می‌شد، به کانال عمان منتقل شود، اما با توجه به حجم تجارت دو جانبه و همچنین مجموع مؤلفه‌های حساب جاری این کشور که حدود ۱۴ میلیارد دلار است، نمی‌توان انتظار داشت که همه تراکنش‌های مرتبط با ایران در امارات (معادل ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در سال) به عمان منتقل شود. در گام ابتدایی، انتقال حدود ۱۵ تا ۱۵ درصد از این میزان، معادل ۶ تا ۱۱ میلیارد دلار، شدنی به نظر می‌رسد؛ مشروط به اینکه اقدام، با تغییر شیوه تسویه ارزی کشور از حالت غیررسمی به رسمی نیز همراه باشد که شرایط عمان می‌تواند این مهم را تسهیل نماید.

الزامات نقش آفرینی عمان در تسویه ارزی ایران در کوتاه‌مدت

به عنوان اقدام فوری در کوتاه‌مدت (طی ۳ ماه آتی)، جهت تسهیل انتقال بخشی از تراکنش‌های ارزی به شبکه کارگزاران مستقر در عمان و عمق بخشی به منابع ایران در بازار ریال این کشور، ضرورت دارد در چند سطح اقداماتی صورت گیرد.

در سطح حاکمیتی ضرورت دارد نماینددگانی از سطوح عالی و مؤثر ایران در تعامل با مسئولین اصلی عمان، تسهیل فرآیند افتتاح حساب و تراکنش به از ریال عمان و همچنین مبادله با اسکناس را برای شرکت‌های مرتبط با ایران پیگیری نمایند. این موضوع به طور خاص باید در دسترسی اشعبات بانک‌های ملی و صادرات در عمان به منظور شود؛ به‌طوری‌که این شعبات ضمن داشتن مجوز دریافت و پرداخت به اسکناس ریال عمان به یک میزان مشخص و تضمین تأمین اسکناس توسط بانک مرکزی عمان در صورت نیاز، اجازه انتقال پول به حساب تمام بانک‌های عمانی را داشته باشند و بانک‌های عمانی هدف نیز مجاز به همکاری با این شعبات و انجام دستور پرداخت‌های آن‌ها شوند.

در سطح نظام بانکی نیز ضرورت دارد راهبرهای بانکی، نسبت به افزایش دسترسی خود به ریال عمان از طریق انعقاد قرارداد با کارگزاران فعال در عمان اقدام کنند. همچنین ضروری است بانک‌ها در تعامل با این کارگزارها و تجار، بخشی از ارزهای حاصل از صادرات را به صورت ریال عمان در مرکز مبادله عرضه کنند. علاوه بر این موارد، ضروری است کارگزارهای دارای مجوز با افزایش زیرساخت‌های خود در عمان (ثبت شرکت با لایسنس‌های مختلف، افتتاح و ایجاد گردش حساب، افتتاح دفتر در عمان و …) دسترسی خود به ریال این کشور را افزایش دهند.

در میان‌مدت (طی ۱۲ ماه آتی) ضروری است فراتر از اتکا به شبکه کارگزاری، راه‌اندازی اتاق پایاپای ارزی-تجاری ایران و عمان توسط بانک مرکزی دنبال شود. با توجه به آمراهی تجاری، ظرفیت پایاپای‌سازی دو جانبه میان ایران و عمان بالغ بر ۲ میلیارد دلار، معادل ۷۵ درصد از کل تجارت دو جانبه دو در کشور است. به این ترتیب، بانک عامل در ایران (ترجیحاً بانک‌های آقشور و نهادهای مالی غیرتجربیی) و بانک عامل در عمان، پس از انعقاد قرارداد پایاپای با یکدیگر، در اتاق پایاپای حساب ارزی دفتر (به دلار یا یورو؛ صرفاً برای عملیات حسابداری) افتتاح می‌کنند. سپس هر بانک، مسئول دریافت وجوه به ارزهای ملی از واردکنندگان و پرداخت وجوه به ارزهای ملی به صادرکنندگان کشور خواهد بود.

Charsogh newspaper

■ **سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵** ■ سال دوم ■ شماره ۴۵۲



تنزل جایگاه مسکن در اولویت مالی دولت؛

مسکن و شهرسازی کجای بودجه ۱۴۰۵ است؟

گزارش

حجت بین‌آبادی

پژوهشگر حوزه بودجه و مالی

در حالی که دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۵ اعتبارات حوزه مسکن و خدمات شهری را با رشد ۶۸ درصدی به ۸۸ هزار میلیارد تومان رسانده، بررسی جزئیات بودجه نشان می‌دهد سهم این بخش از کل اعتبارات عمومی کشور همچنان روی همان ۲ درصد ثابت مانده است؛ موضوعی که بیانگر تداوم ضعف جایگاه مسکن در اولویت مالی مای دولت، کاهش توان واقعی اجرای پروژه‌ها زیر فشار تورم ساختمانی و فاصله معنادار میان اهداف برنامه هفتم و منابع عملیاتی پیش‌بینی شده است.

بررسی بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور نشان می‌دهد که اعتبارات امور مسکن و خدمات شهری با رشد ۶۸ درصدی نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۴، ۵۲ هزار میلیارد تومان به ۸۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. این رشد اسمی قابل توجه، در نگاه نخست نویدبخش توجه ویژه دولت به این حوزه است اما با نگاهی به سهم این بخش از کل اعتبارات عمومی کشور که همچنان در سطح ۲ درصد تثبیت شده، واقعیت دیگری آشکار می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، اگرچه دولت به صورت اسمی منابع بیشتری را به مسکن و خدمات شهری اختصاص داده اما جایگاه واقعی این حوزه در ساختار بودجه‌ای کشور دچار تحول بنیادین نشده است.

برنامه‌های اجرایی و تمرکز نهادی

در قانون بودجه ۱۴۰۵، اعتبارات حوزه مسکن و شهرسازی در قالب دو برنامه اصلی تعریف شده است: «برنامه تولید و عرضه مسکن» با اعتبار ۲۳۰۱ هزار میلیارد تومان و «برنامه عمران و خدمات شهری

و روستایی» نیز با اعتبار ۳۲۰۸ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. نکته حائز اهمیت آنکه در برنامه تولید و عرضه مسکن، بیش از ۹۸ درصد اعتبارات ماهیت سرمایه‌ای دارد و سهم اعتبارات کسری در حدود ۱۹ همت دارد. همچنین عدم وصول منابع ناشی از جریمه بانک‌ها موضوع قانون جهش تولید مسکن، تحقق کامل این اعتبارات را با تردید مواجه ساخته است.

در نقطه مقابل، برخی نهاد‌های حمایتی و پژوهشی با رشد محدود یا کاهش منابع مواجه‌اند. مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با رشد فقط ۳ درصدی و رسیدن به ۵۹۰۰۷ میلیارد تومان، عملاً بودجه‌ای تثبیت شده دارد. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با کاهش ۹ درصدی منابع عمومی به ۸۵۶۰۲۸ میلیارد تومان رسیده است. شرکت بازرگانی شهری ایران نیز با کاهش ۲۴ درصدی اعتبارات سرمایه‌ای به ۱۴ هزار میلیارد تومان مواجه شده که می‌تواند دامنه مداخلات نوسازی بافت‌های فرسوده را محدود کند.

تحولات اعتبارات دستگاه‌های اجرایی

بررسی جزئی‌تر نشان می‌دهد که مجموع اعتبارات وزارت راه و شهرسازی در بودجه ۱۴۰۵ به حدود ۱۲۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. مطابق ماده ۱۸۲ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، دولت مکلف است احکام قوانین مصوب مجلس که برای آن‌ها اعتبار پیش‌بینی نکرده را در صورت تقایسه با متوسط رشد ۵۹ درصدی مجموع وزارتخانه‌ها، همراه با لایحه بودجه منعقد کند. بررسی اسناد پشتیبان لایحه بودجه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که اگرچه پیوستی برای انطباق احکام با برنامه هفتم پیشرفت ارائه شده اما این پیوست

اخبار ۳

از نظر محتوایی و تطبیق صدق‌کی کافی و اقتاع‌کننده نیست. احکام کلیدی برنامه هفتم در حوزه مسکن از جمله موضوع بهسازی و نوسازی سالیانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی با تسهیلات ۵ درصدی، شناسایی ساختمان‌های نایبم در کلان شهرها، رقومی‌سازی طرح‌های جامع و تفصیلی و تهاتر اراضی با پیمانکاران، فاقد برش بودجه‌ای مشخص و الزام‌آور در لایحه هستند.

در عمل، از مجموع اعتبارات جدول بودجه، فقط ۱۱۱۰۱۱ میلیارد تومان (شامل ۱۱۱۰۱۱ میلیارد تومان هزینه‌ای و ۶۰ میلیارد تومان سرمایه‌ای) در قالب ۸۱ ردیف به اجرای احکام برنامه هفتم اختصاص یافته که با تفسیری موسع، مواردی با کمترین ارتباط محتوایی به عنوان طرح مرتبط با برنامه هفتم ارائه شده‌اند.

سقف اعتبارات عمرانی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ نسبت به رقم مصوب ۱۴۰۴ افزایشی نداشته و در سطح ۶۰۰ هزار میلیارد تومان تثبیت شده است. سهم بودجه عمرانی از کل مخارج عمومی دولت در لایحه ۱۴۰۵ به نزدیک ۱۱ درصد رسیده که پایین‌ترین سطح پیشنهادی در دوازده سال گذشته محسوب می‌شود. متوسط عمر پروژه‌های عمرانی کشور از ۷ سال در سال ۱۳۹۳ به حدود ۱۸ سال تا پایان برنامه افزایش یافته است؛ آمارى که نشان از تداوم کسرى بودجه ساختارى و ناتوانى در تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دارد.

براساس بررسی‌های به عمل آمده، راهکارهای سیاستی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. بازطراحی حلقه بیمه واحدهای مسکونی دارای انشعاب برق به صورت پلکانی و مبتنی بر میزان مصرف. پیشنهاد می‌شود سقف حق بیمه پایه هر واحد مسکونی از ۰۲، ۰۷۳۰۰۰ ریال به ۵ درصد بهای برق مصرفی (تاسقف پلکانی) تغییر کند و ۱۰۰ درصد منابع مازاد به صندوق ملی مسکن برای تأمین یارانه سود تسهیلات ودیعه مستأجران کم‌استطاعت و نوسازی بافت‌های ناکارآمد تخصیص پیدا کند.

۲. افزایش سقف تسهیلات ارزان قیمت ودیعه و خرید مسکن مددجویان کم‌بته امداد و سازمان بهزیستی از ۴۰ هزار میلیارد ریال به ۶۰ هزار میلیارد ریال. این افزایش متناسب با نرخ تورم مسکن و اجاره‌بها (که در سال‌های اخیر به مراتب بالاتر از تورم عمومی بوده) ضرورتی انکارناپذیر است.

۳. تخصیص ۱۰۰ میلیون دلار از منابع صندوق توسعه ملی به پروژه‌های پیشران و دارای توجیه اقتصادی در چارچوب جزء (۱) بند «خ» ماده (۱۶) قانون احکام دائمی، شرط الزامی این تخصیص، غربالگری طرح‌های دارای اثرات پسین و پیشین‌گسترده، تکمیل‌کننده زنجیره‌های ارزش و ماهیت رفغ گلوگا با هم‌افزایی چندبخشی است. ۴. تمرکز بر تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام با اولویت بندی مبتنی بر بازده اجتماعی و اقتصادی، هرگونه ورود به پروژه‌های جدید باید منوط به ارائه مطالعات توجیهی فنی، اقتصادی و مالی مصوب سازمان برنامه و بودجه و انتشار خلاصه گزارش‌های توجیهی به عنوان پیوست بودجه‌شود.

۵. اصلاح ساختار نظارتی و تدوین سنجه‌های عملکردی شفاف برای هر برنامه اجرایی حوزه مسکن و شهرسازی. تکنیک اهداف کمی سالانه، ارائه سابقه تحقق شاخص‌ها در سال‌های گذشته و تبیین دلایل انحراف عملکرد واقعی از اهداف مصوب، پیش‌نیاز هرگونه ارزیابی مؤثر از نحوه هزینه‌کرد منابع و پیش‌شرط تحقق تکالیف قانون برنامه هفتم است.
صندوق ملی مسکن با رشد بی‌سابقه ۴۹۱ درصدی، از ۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۴ به ۲۶۰ هزار میلیارد ریال در بودجه ۱۴۰۵ افزایش نشان‌دهنده اتکای جدی سیاست‌گذار به ابزارهای مالی و صندوق‌قی برای پیشبرد برنامه‌های مسکن است
صندوق ملی مسکن با رشد بی‌سابقه ۴۹۱ درصدی، از ۴۴ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۴ به ۲۶۰ هزار میلیارد ریال در بودجه ۱۴۰۵ افزایش پیدا کرده است.
این جهش نشان‌دهنده اتکای جدی سیاست‌گذار بر سوده ارائه شده اما این پیوست



به رقابت لحظه‌ای کره خورده است. در چنین شرایطی، اپراتورهای ذخیره‌سازی گاز در اروپا نیز رفتار محافظه‌کارانه‌تری در پیش گرفته‌اند. بسیاری از آن‌ها ترجیح می‌دهند با احتیاط وارد بازار شوند و خریدهای سنگین خود را به تعویق بیندازند؛ رفتاری که در ظاهر منطقی اما در عمل می‌تواند فشار قیمتی را تشدید کند. در واقع، بازار به یک چرخه رفت و برگشتی از «انتظار برای کاهش قیمت» و «افزایش ناگهانی تقاضا در لحظه‌های حساس» تبدیل شده؛ چرخه‌ای که ذاتاً نوسان‌زا است.

سیاست انرژی اروپا: گذار سبز در میانه یک وابستگی جدید
یکی از مهم‌ترین تناقض‌های فعلی در سیاست انرژی اروپا، هم‌زمانی گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر با افزایش وابستگی به گاز طبیعی است. در نگاه سیاست‌گذاران اروپایی، گاز قرار بود یک «سوخت گذار» باشد؛ پلی میان اقتصاد مبتنی بر سوخت‌های فسیلی و آینده‌ای مبتنی بر انرژی‌های پاک. اما واقعیت بازار، مسیر متفاوتی را رقم زده است. توسعه سریع

آغاز می‌کند که می‌تواند منجر به فشار مضاعف بر بازار انرژی و افزایش قیمت‌ها شود.

از سوی دیگر، تجربه بحران انرژی ۲۰۲۲ هنوز از حافظه پرش‌های جدی درباره امنیت انرژی این قاره را زنده کرده است؛ جایی که رقابت جهانی، قراردادهای منقطع و سیاست‌های گذار انرژی، اروپا را در موقعیتی شکننده‌تر از گذشته قرار داده‌اند.

اتحادیه اروپا وارد دوره‌ای شده که در ظاهر شاید هنوز بحرانی به نظر نرسد اما داده‌های ذخایر گاز چیز دیگری می‌گویند. سطح ذخایر گاز این بلوک اقتصادی به حدود ۲۹ درصد رسیده؛ رقمی که نسبت به میانگین پنج سال گذشته پایین‌تر است و در ادبیات انرژی اروپا معمولاً به عنوان «سیگنال هشدار اولیه» تلقی می‌شود.

در نگاه اول، ۲۹ درصد شاید فاصله زیادی با بحران واقعی داشته باشد اما ساختار مصرف گاز در اروپا این عدد را حساس‌تر می‌کند. بخش عمده مصرف‌گاز در این قاره در دو حوزه حیاتی تولید برق و گرمایش خانگی متمرکز است. همین موضوع باعث می‌شود حتی نوسانات متوسط در ذخایر، اثر مستقیم بر قیمت برق و هزینه زندگی داشته باشد.

۵.۵ درصد، در وضعیت بحرانی (قرمز تیره) قرار دارد و رکورد کمترین میزان ذخیره‌سازی خود را ثبت کرده است. کشورهای تأثیرگذار نظیر آلمان و فرانسه نیز با قازگیری در بازه ۲۰ تا ۲۰ واحد درصد زیر میانگین، شرایط نگران‌کننده‌ای را تجربه می‌کنند. در حالی که کشورهای مثل ایتالیا و اتریش با اختلاف بسیار نسبت به میانگین خود در وضعیت هشدار هستند، فقط اسپانیا و لهستان توانسته‌اند ثبات خود را حفظ کرده و سطحی بالاتر از میانگین ۱۰ ساله را ثبت کنند.

این تصویر کلی نشان می‌دهد که اروپا فصل تریق گاز برای زمستان آینده را از نقطه‌ای بسیار ضعیف آغاز می‌کند که می‌تواند منجر به فشار مضاعف بر بازار انرژی و افزایش قیمت‌ها شود.
از سوی دیگر، تجربه بحران انرژی ۲۰۲۲ هنوز از حافظه پرش‌های جدی درباره امنیت انرژی این قاره را زنده کرده است؛ جایی که رقابت جهانی، قراردادهای منقطع و سیاست‌های گذار انرژی، اروپا را مجبور کرد با سرعت به سمت بازارهای LNG حرکت کند؛ بازاری که نه فقط گران‌تر، بلکه به مراتب رقابتی‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر است. اکنون نیز نشانه‌ها حاکی از آن است که این وابستگی جدید، خود به منبعی برای بی‌ثباتی تبدیل شده است.

LNG آمریکا: اختلاف پذیری یا شمشیر دو لبه بازار؟
در شرایطی که عرضه گاز از مسیرهای سنتی مانند روسیه تقریباً حذف شده و جریان‌های خاورمیانه‌ای نیز به دلایل مختلف ژئوپلیتیکی محدودتر شده‌اند، نگاه اروپا بیش از هر زمان دیگری به LNG آمریکا دوخته شده‌ام همین نقطه اتکا، یک تناقض ساختاری مهم در خود دارد.

بیش از ۹۰ درصد قراردادهای LNG ایالات متحده بر پایه FOB (Free on Board) تنظیم شده‌اند.

در این قاره، در دو حوزه حیاتی تولید برق و گرمایش خانگی متمرکز است. همین موضوع باعث می‌شود حتی نوسانات متوسط در ذخایر، اثر مستقیم بر قیمت برق و هزینه زندگی داشته باشد.
۵.۵ درصد، در وضعیت بحرانی (قرمز تیره) قرار دارد و رکورد کمترین میزان ذخیره‌سازی خود را ثبت کرده است. کشورهای تأثیرگذار نظیر آلمان و فرانسه نیز با قازگیری در بازه ۲۰ تا ۲۰ واحد درصد زیر میانگین، شرایط نگران‌کننده‌ای را تجربه می‌کنند. در حالی که کشورهای مثل ایتالیا و اتریش با اختلاف بسیار نسبت به میانگین خود در وضعیت هشدار هستند، فقط اسپانیا و لهستان توانسته‌اند ثبات خود را حفظ کرده و سطحی بالاتر از میانگین ۱۰ ساله را ثبت کنند.
این تصویر کلی نشان می‌دهد که اروپا فصل تریق گاز برای زمستان آینده را از نقطه‌ای بسیار ضعیف آغاز می‌کند که می‌تواند منجر به فشار مضاعف بر بازار انرژی و افزایش قیمت‌ها شود.
از سوی دیگر، تجربه بحران انرژی ۲۰۲۲ هنوز از حافظه پرش‌های جدی درباره امنیت انرژی این قاره را زنده کرده است؛ جایی که رقابت جهانی، قراردادهای منقطع و سیاست‌های گذار انرژی، اروپا را مجبور کرد با سرعت به سمت بازارهای LNG حرکت کند؛ بازاری که نه فقط گران‌تر، بلکه به مراتب رقابتی‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر است. اکنون نیز نشانه‌ها حاکی از آن است که این وابستگی جدید، خود به منبعی برای بی‌ثباتی تبدیل شده است.

LNG آمریکا: اختلاف پذیری یا شمشیر دو لبه بازار؟
در شرایطی که عرضه گاز از مسیرهای سنتی مانند روسیه تقریباً حذف شده و جریان‌های خاورمیانه‌ای نیز به دلایل مختلف ژئوپلیتیکی محدودتر شده‌اند، نگاه اروپا بیش از هر زمان دیگری به LNG آمریکا دوخته شده‌ام همین نقطه اتکا، یک تناقض ساختاری مهم در خود دارد.

انرژی‌های بادی و خورشیدی اگرچه در بلندمدت وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهد اما در کوتاه‌مدت به دلیل ماهیت ناپایدار تولید، نیاز به منابع پشتیبان را افزایش داده است. این نقش پشتیبان عملاً به گاز طبیعی سپرده شده است. در نتیجه، هرگونه نوسان در بازار گاز، مستقیماً به شبکه برق اروپا منتقل می‌شود. همین موضوع باعث شده برخلاف انتظار اولیه، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در کوتاه‌مدت به کاهش حساسیت انرژی منجر نشود، بلکه در برخی موارد حتی آن را افزایش دهد. از سوی دیگر، جایگزینی گاز روسیه با LNG وارداتی، سطح پایه قیمت انرژی را در اروپا بالا برده است.

گاز روسیه، به دلیل قراردادهای بلندمدت و زیرساخت‌های خط لوله، معمولاً ارزان‌تر و پایدارتر بود اما LNG وارداتی نه فقط هزینه حمل و تبدیل بالاتری دارد، بلکه به شدت تحت تأثیر بازار انرژی است. این تغییر ساختار، به معنای انتقال اروپا از یک مدل نسبتاً پایدار اساسی، به یک مدل کاملاً ناپایز و نوسانی بوده است؛ تغییری که پیامدهای آن هنوز به طور کامل در اقتصاد این قاره نمایان نشده است.
نیات گمشده در بازار جهانی انرژی
اگر روندهای فعلی ادامه پیدا کند، بازار گاز اروپا بیش از آنکه با کمبود فیزیکی مواجه شود، با «کمبود اطمینان» روبه‌رو خواهد بود. این تفاوت طریفاً اما حیاتی است. اروپا احتمالاً در تأمین فیزیکی LNG با مشکل دائمی مواجه نخواهد شد اما هزینه دسترسی به این انرژی و نوسان پذیری آن به چالش اصلی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران اروپایی با یک دوگانگی سخت‌رو به‌رو هستند: از یک سو باید یک مسیر گذار انرژی و کاهش انتشار کربن ادامه دهند و از سوی دیگر رانجازه‌پذیر برای حفظ ثبات اقتصادی، به سوختی تکیه کنند که خود منشأ نوسان است.



جنگ و هدایت اعتبار از طریق برنامه‌ریزی برای رشد پایه پولی

سیدمحمد نبی زاده

در شرایط جنگ، مدیریت رشد پایه پولی می‌تواند به ابزاری مؤثر برای تأمین مالی اولویت‌های اقتصادی تبدیل شود. بانک مرکزی می‌تواند پیش‌دستانه برای ترکیب و جهت‌دهی رشد پایه پولی برنامه‌ریزی کند تا منابع جدید پولی به جای جریان یافتن به فعالیت‌های غیرمولد، در خدمت تولید، بازسازی، امنیت غذایی و توسعه زیرساخت‌ها قرار بگیرد. در این چارچوب، بخشی از رشد پایه پولی می‌تواند در قالب خطوط اعتباری مشروط تخصیص یابد و بانک‌ها با استفاده از ظرفیت اهرمی خود، آن را چند برابر کنند و به نیازهای اولویت‌دار اقتصاد اختصاص دهند.

در ادبیات هدایت اعتبار معمولاً تمرکز سیاستی بر ابزارهایی مانند سهمیه‌بندی تسهیلات، تعیین اولویت‌های اعتباری یا ایجاد خطوط اعتباری هدفمند قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین مجراهایی که می‌تواند به‌صورت مؤثر در خدمت هدایت اعتبار قرار گیرد، نحوه مدیریت و تخصیص رشد پایه پولی است. در شرایطی که اقتصاد با محدودیت منابع و افزایش نیازهای مالی ناشی از جنگ با بازسازی مواجه است، برنامه‌ریزی فعالانه برای ترکیب و محل مصرف رشد پایه پولی می‌تواند به یکی از ابزارهای کلیدی سیاست‌گذاری تبدیل شود.

۸۰۰ هزار میلیارد تومان رشد پایه پولی اجتناب‌ناپذیر است

در عمل، رشد نقدینگی در هر سال تا حدی قابل پیش‌بینی است. به عنوان مثال اگر برآورد شود که نقدینگی در سال ۱۴۰۵ حدود ۵۰ درصد رشد خواهد داشت، این به معنای افزایش قابل توجه تقاضا برای ذخایر بانکی و درنتیجه رشد اجتناب‌ناپذیر پایه پولی است. فرض کنیم در چنین شرایطی حجم نقدینگی حدود ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یابد. اگر صرفاً نیاز ناشی از نسبت ذخیره قانونی (۱۰ درصد) در نظر گرفته شود، تأمین این رشد نقدینگی مستلزم افزایش ۸۰۰ هزار میلیارد تومان در پایه پولی خواهد بود. به بیان دیگر، بخشی از رشد پایه پولی عملاً پیامد طبیعی رشد نقد بانکی است و بانک مرکزی ناگزیر از تأمین آن است.

این واقعیت یک فرصت سیاسی مهم ایجاد می‌کند؛ اگر بخشی از رشد پایه پولی اجتناب‌ناپذیر است، می‌توان از همان ابتدا برای نحوه تخصیص آن برنامه‌ریزی کرد و آن را در خدمت اولویت‌های اقتصادی کشور قرار داد.

خطوط اعتباری مشروط برای تأمین هزینه‌های جنگ

بانک مرکزی می‌تواند در ابتدا ای سال برآورد کند که چه میزان افزایش پایه پولی برای پشتیبانی از رشد نقدینگی لازم خواهد بود و سپس ترکیب ابزارهای تأمین آن را طراحی کند. فرضاً در سناریوی حداقلی اگر همان ۸۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش پایه پولی در طول سال ۱۴۰۵ مورد انتظار باشد، می‌توان از ابتدا بخشی از آن را برای عملیات بازار باز و مدیریت نقدینگی کوتاه‌مدت بانک‌ها اختصاص و بخش دیگری را در قالب خطوط اعتباری

هدفمند به شبکه بانکی تخصیص داد. در چنین چارچوبی، مثلاً ۴۰۰ هزار میلیارد تومان از افزایش پایه پولی می‌تواند برای عملیات ریپو و تنظیم نقدینگی بازار بین بانکی مورد استفاده قرار گیرد و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر به‌صورت خطوط اعتباری مشروط در اختیار بانک‌ها قرار گیرد. این خطوط اعتباری می‌تواند به حوزه‌هایی اختصاص یابد که در شرایط جنگ با پسانگ اهمیت راهبردی دارند؛ از جمله تأمین مالی تولید، تأمین کالا‌های اساسی، پشتیبانی از امنیت غذایی، هزینه‌های مرتبط با امنیت ملی و همچنین بازسازی زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی آسیب‌دیده.

نکته مهم آن است که این خطوط اعتباری می‌تواند به‌صورت مشروط طراحی شود؛ به این معنا که بانک‌ها تنها در صورتی به منابع بانک مرکزی دسترسی داشته باشند که تسهیلات متناظر را در بخش‌های اولویت‌دار اعطا کنند. در این حالت، منابع پایه پولی نه به شکل عمومی و غیرهدفمند، بلکه در قالب یک سازوکار سیاستی مشخص به سمت فعالیت‌های دارای اولویت هدایت می‌شود.

از سوی دیگر، همین خطوط اعتباری می‌تواند با استفاده از ضریب اهرمی شبکه بانکی، اثر تأمین مالی بزرگ‌تری ایجاد کند. به عنوان مثال، اگر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان خط اعتباری بانک مرکزی در اختیار بانک‌ها قرار گیرد، شبکه بانکی می‌تواند با اتکا به آن حجم بسیار بیشتری از تسهیلات را به بخش‌های هدف اختصاص دهد و بدین ترتیب ظرفیت اعتباری کشور در خدمت اهداف بازسازی و پایداری اقتصادی قرار گیرد.

تغییر جایگاه بانک مرکزی از کنترل‌کننده به طراح

به این ترتیب، مدیریت فعال رشد پایه پولی می‌تواند به یکی از ابزارهای مهم هدایت اعتبار تبدیل شود. در این چارچوب، بانک مرکزی نه‌تنها به این ترتیب، مدیریت فعال رشد پایه پولی می‌تواند به یکی از ابزارهای کنترل‌کننده کمیت پول، بلکه طراح مسیر جریان اعتبار در اقتصاد خواهد بود. چنین رویکردی به‌ویژه در شرایط جنگ و بازسازی می‌تواند کمک‌کند تا منابع محدود پولی با بیشترین کارایی در خدمت نیازهای حیاتی اقتصاد قرار گیرند.

سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۲۱۳۹۰۶۹

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

شماره ۴۵۲

کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



جهش قیمت موبایل تورم ارتباطات را به اوج رساند

گزارش

موبایل به عنوان یک پیشران بازار، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی انتظارات تورمی و جهت‌دهی به قیمت‌ها داشته باشد.

در تازه‌ترین گزارش منتشرشده از سوی مرکزآمار ایران، نرخ تورم ماهانه در فروردین‌ماه به ۵ درصد رسیده است؛ رقمی که نشان دهنده تداوم فشارهای تورمی در ابتدای سال ۱۴۰۵ است. در این میان، بررسی جزئیات سید شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) حاکی از آن است که گروه «ارتباطات» با ثبت تورم ماهانه ۸٫۸ درصدی، یکی از بالاترین نرخ‌های افزایش قیمت را در میان گروه‌های کالایی و خدماتی به خود اختصاص داده است؛ موضوعی که توجه کارشناسان را به تحولات بازار تجهیزات ارتباطی، و به‌ویژه تلفن همراه، جلب کرده است.

تورم ۸٫۸ درصدی ارتباطات: رد پای گرانی بی‌سابقه گوشی در بازار
براساس ساختار شاخص قیمت مصرف‌کننده، گوشی تلفن همراه در زیرگروه تجهیزات ارتباطی (۰٫۸۱۲ درصد

می‌شود و از خدماتی نظیر اینترنت، مکالمه و پیامک که در

زیرگروه‌های دیگری قرار دارند، تفکیک شده است. این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که تغییرات قیمتی در بازار گوشی تلفن همراه می‌تواند به‌صورت مستقیم در شاخص این زیرگروه اثرگذار باشد و رشد قابل توجه تورم در بخش ارتباطات در فروردین‌ماه را توضیح دهد.

بررسی‌های میدانی و داده‌های بازار جمع‌آوری‌شده در یک گزارش تحقیقی بازار نشان می‌دهد که در بازه زمانی اسفند ۱۴۰۴ تا پایان فروردین ۱۴۰۵، قیمت انواع گوشی تلفن همراه با جهش محسوسوسی مواجه شده است. در این میان، گوشی‌های پایین‌رده یک برند مطرح خارجی تا حدود ۳۲ درصد افزایش قیمت متوسط را تجربه کرده‌اند؛ رقمی بی‌سابقه که نشان دهنده شوک شدید قیمتی در این بخش است. همچنین در همین بازه، گوشی‌های میان‌رده همان برند حدود ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. در سایر برندهای وارداتی نیز روند مشابهی مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که گوشی‌های پایین‌رده چینی به صورت میانگین حدود ۲۲ درصد و میان‌رده‌های همان برند چینی تا ۲۵ درصد افزایش قیمت متوسط را ثبت کرده‌اند.

این تحولات قیمتی را می‌توان یکی از عوامل اصلی رشد تورم یک گروه ارتباطات دانست. با این حال، نکته قابل توجه آن است که اثر ایسن افزایش قیمت‌ها بر نرخ تورم کل، به‌مراتب محدودتر از چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد. براساس آخرین ساختار منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران با سال پایه ۱۴۰۰، وزن گروه ارتباطات در سبد هزینه خانوار تنها حدود ۲٫۴۱ درصد است. این در حالی است که گروه‌هایی نظیر مسکن با سهمی بیش از ۳۰ درصد و خوراکی‌ها حدود ۲۸٫۸ درصد، نقش مهم‌تری در تعیین تورم کل ایفا می‌کنند.

به بیان دیگر، حتی اگر قیمت گوشی تلفن همراه به‌طور قابل

توجهی افزایش یابد، به دلیل وزن پایین این گروه در سبد مصرفی خانوار، تأثیر آن بر شاخص کل تورم محدود خواهد بود. افزون بر این، باید توجه داشت که همین سهم ۲٫۴ درصدی نیز شامل کل خدمات و کالاهای ارتباطی است؛ از جمله اینترنت، مکالمه و پیامک. بنابراین سهم «خودگوشی تلفن همراه» در این میان، تنها بخشی از این عدد و درواقع کسری از ۲٫۴ درصد است.

این واقعیت آزاری سبب شده است که علی‌رغم جهش‌های شدید قیمتی در بازار موبایل، اثر آن در شاخص کل تورم چندان محسوس نباشد. به‌ویژه آنکه در سال ۱۴۰۴ نیز با وجود ثبت نرخ تورم کل در سطوح بالای ۴۰ درصد، گروه ارتباطات همچنان یکی از کم‌وزن‌ترین و کم‌اثرترین اجزای سبد تورمی باقی‌مانده است.

موبایل، پیشران قیمت‌دهی به بازارها با نقش محدود در سبد محاسبه‌تورم

با این حال، تحلیلگران اقتصادی بر این باورند که نقش بازار تلفن همراه صرفاً به اثر مستقیم آن بر شاخص تورم محدود نمی‌شود. این کالا به‌عنوان یکی از اقلام پیشران در بازار، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به انتظارات تورمی و جهت‌دهی به سایر بازارها ایفا کند. به‌عبارت‌دیگر، جهش قیمت در بازار موبایل می‌تواند به‌عنوان یک سیگنال روانی، بر رفتار مصرف‌کنندگان و حتی سایر فعالان اقتصادی تأثیرگذار باشد.

یکی از دلایل اصلی این ویژگی، ماهیت وارداتی تلفن همراه است. این کالا به‌طور مستقیم از نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد تأثیری می‌پذیرد و به همین دلیل، تغییرات قیمتی آن معمولاً با سرعت بیشتری نسبت به بسیاری از کالاهای دیگر بروز پیدا می‌کند. در شرایطی که بازار از نوسان مواجه است، بازار موبایل نیز به‌سرعت واکنش نشان داده و این واکنش می‌تواند به سایر بخش‌ها نیز سرایت کند.

گرانی موبایل و معمای تورم: چرا اثر آن محدود می‌ماند؟

درمجموع، اگرچه افزایش قیمت تلفن همراه نقش مستقیمی در رشد قابل توجه تورم گروه ارتباطات نداشته است، اما به دلیل وزن پایین این گروه در سبد شاخص قیمت مصرف‌کننده، اثر آن بر قیمت‌مصرف‌کننده، اثر آن بر نعمی‌توان از نقشش این بازار در شکل‌دهی به انتظارات و سیگنال‌دهی به سایر بازارها چشم‌پوشی کرد؛ موضوعی که اهمیت رصد دقیق تحولات آن را دوچندان می‌کند.

این واقعیت آماری سبب شده است که علی‌رغم جهش‌های شدید قیمتی در بازار موبایل، اثر آن در شاخص کل تورم چندان محسوس نباشد. به‌ویژه آنکه در سال ۱۴۰۴ نیز با وجود ثبت نرخ تورم کل در سطوح بالای ۴۰ درصد، گروه ارتباطات همچنان یکی از کم‌وزن‌ترین و کم‌اثرترین اجزای سبد تورمی باقی‌مانده است

رد پای شرکت‌های پخش در گرانی کالاهای پرمصرف

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد برخی شرکت‌های پخش بدون افزایش رسمی قیمت تولیدکننده، کالاهای اساسی را گران‌تر عرضه می‌کنند؛ موضوعی که به گفته سازمان حمایت، مصداق کران فروشی است.

در هفته‌های اخیر، بررسی‌های میدانی از سطح بازار و گفتگو با فروشندگان و مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد که قیمت برخی کالاهای پرمصرف، بدون آن‌که افزایش رسمی از سوی تولیدکنندگان اعلام شده باشد، با رشد محسوسی مواجه شده است. این موضوع به‌ویژه در اقلامی مانند مواد شوینده و محصولات سلولزی بیش از سایر کالاها به چشم می‌خورد و باعث نارضایتی گسترده خریداران شده است. در بازدید از چندین فروشگاه خرده‌فروشی در مناطق مختلف شهر، برخی فروشندگان تأیید می‌کنند که کالاها را با قیمت بالاتری نسبت به گذشته از شرکت‌های پخش دریافت می‌کنند. یکی از فروشندگان مواد غذایی در این باره می‌گوید: «قیمت درج‌شده روی بعضی کالاها تغییری نکرده، اما فاکتورهایی که از شرکت‌های پخش دریافت می‌کنیم، افزایش داشته است. ما هم ناچاریم با حاشیه سود مشخصی آن را عرضه کنیم؛ وگرنه ضرر می‌کنیم.»

این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که طبق اظهارات رسمی، تولیدکنندگان در بسیاری از این اقلام افزایش قیمتی اعمال نکرده‌اند. همین مسئله، شائبه بروز تخلف در حلقه‌های میانی زنجیره توزیع را تقویت کرده است. به‌نظری‌رسد بخشی از شرکت‌های پخش، با نادیده گرفتن ضوابط سود قانونی، اقدام به عرضه کالا با نرخ‌های بالاتر می‌کنند. در همین زمینه، رضا زرین‌گل، مدیرکل بازرسی خدمات سازمان حمایت، در نامه‌ای به رئیس هیئت‌مدیره انجمن ملی صنعت پخش ایران، به صراحت نسبت به این روند هشدار داده است. او با استناد به گزارش‌های معاونت بازرسی و نظارت بر کالاهای مصرفی تأکید کرده که رصد‌های میدانی نشان می‌دهد برخی شرکت‌های پخش، علی‌رغم عدم افزایش قیمت از سوی تولیدکنندگان، اقدام به کران‌فروشی کرده‌اند. زرین‌گل در این نامه اشاره کرده که این تخلفات نه‌تنها موجب افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی شده، بلکه به تصبیح حقوق‌کنندگان نیز انجامیده است. به گفته

او، رعایت نکردن ضوابط سود در عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، یکی از عوامل اصلی این ناپیسامانی در بازار است. بررسی‌های میدانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در برخی موارد، کالاهایی که مربوط به تولید ماه‌های گذشته هستند، با قیمت‌های جدید و

بالاتر عرضه می‌شوند. این در حالی است که چنین افزایش قیمتی از نظر قانونی قابل توجیه نیست، یکی از عمده‌فروشان در این باره می‌گوید: «برخی شرکت‌های پخش، کالاهای قدیمی را نگه می‌دارند و بعد با قیمت بالاتر و دراز می‌کنند. این کار باعث به‌هم‌ریختگی قیمت‌ها شده است.» این روند علاوه بر افزایش قیمت، پیامدهای دیگری نیز به دنبال داشته است. برخی واحدهای صغنی به دلیل بالا بودن قیمت خرید، از تأمین کالا خودداری می‌کنند یا میزان خرید خود را کاهش داده‌اند. نتیجه این وضعیت در آینده، کاهش عرضه در بازار است. زرین‌گل در بخش دیگری از اظهارات خود، با استناد به ماده ۵۷ قانون نظام صغنی، تأکید کرده است که هرگونه عرضه کالا یا خدمات با قیمتی بالاتر از نرخ‌های تعیین‌شده، مصداق کران‌فروشی محسوب می‌شود و با متخلفان برخورد قانونی خواهد شد. او همچنین هشدار داده که اقداماتی که به افزایش غیرقانونی قیمت و زیان مصرف‌کننده منجر شود، تحت پیگرد قرار می‌گیرد.



وی با اعلام اینکه بازار خودرو فعلاً نیمه تعطیل است، افزود: افزایش قیمت‌ها در انواع خودروها به بیش از ۱۰ درصد رسیده و این موضوع بازار را قفل کرده است.

به‌نظری‌رسد تا زمانی که راهکاری اساسی برای رفع مشکل عرضه، مدیریت انتظارات تورمی و ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا اتخاذ نشود، بازار خودرو همچنان شاهد نوسانات شدید و رکود معاملات خواهد بود.

البته در صورت عدم مداخله مؤثر و اتخاذ سیاست‌های همه‌جانبه، انتظار می‌رود بازار خودرو همچنان در این وضعیت پرنوسان باقی بماند. اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولید، تسهیل واردات و صورت‌امکان و مدیریت انتظارات تورمی، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به خروج بازار از این شرایط بحرانی کمک کنند.

کرده است که خودروسازان باید با استفاده از این مواد اولیه، نسبت به افزایش تولید و عرضه به بازار اقدام کنند و دلیلی برای افزایش قیمت‌ها در شرایط فعلی نمی‌بیند.

این اظهارات وزارت صمت در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌های میدانی از بازار حاکی از محدودیت‌هایی در تأمین قطعات دارد. همچنین، خودروسازان همواره استتلال می‌کنند که قیمت‌گذاری دستوری و عدم تناسب آن با هزینه‌های تولید، مانع از افزایش منطقی تولید و عرضه می‌شود.

کریمی رئیس اتحادیه فروشندگان خودرو با اشاره به اینکه در حال حاضر هیچ معامله‌ای در بازار انجام نمی‌شود به تسنیم گفت: ۲۰۷ آن‌هم با قیمت ۳ میلیارد تومان اصلاً قابل قبول نیست و مردم فعلاً دست از خرید کشیده‌اند تا وضعیت به ثبات قیمتی برسد.

آلمان، دشوارتر معامله می‌شوند. لاین تأکید کرد که پیشبرد واقعی این پروژه «زرنیفات به اراده سیاسی کافی و اعتماد متقابل» بستگی دارد. همان‌طور که اوودیرگان اشاره کرده‌اند، احساس فوریت در این زمینه ضروری است، حتی در ماه نوامبر (آذرماه)، سه‌اندیشمند برجسته مالی اروپای یعنی فیلیپ هیلبراند، هلن ری و موریتز شولارک در مقاله‌ای هشدار دادند که این منطقه «باید براسطه عظیم بازارهای سرمایه آمریکا غلبه کند» و افزودند که «زمان اندک است». آن‌ها تأمین مالی مشترک اروپایی از طریق اوراق یا جایگاه حاکمیتی، انتشار منظم و پذیرش کامل در سازوکارهای مالی بانک مرکزی اروپا را از راه‌های کلیدی تحقق این هدف دانستند.

این سه‌اندیشمند نوشتند: هر قدر از اضطراب این امر گفته شود کم است و به‌ویژه زمانی که اروپا به تأمین مالی دفاع از اوکراین متعهد است و با «تغییر تعهدات ایالات متحده» مواجه شده است.

این گزارش با اشاره به اینکه این سخنان پیش از بروز اختلاف میان آلمان و آمریکا منتشر شد، به‌شکلی در راستای اظهارات اخیر نیکزیرنبرگ تر شده است. فایننشال تایمز نوشت: فیلیپ لاین عضو هیات اجرایی بانک مرکزی اروپا در سخنرانی خود در آوریل (فروردین‌ماه) بار دیگر نکات مثبت و منفی این موضوع را یادآور شد. از جنبه مثبت، مجموعه‌ای از اصلاحات در سال‌های اخیر—که اغلب در دل بحران‌ها شکل گرفته‌اند—باعث شده یورویورای نقش بزرگ‌تر آماده‌تر شود. نظام بانکی منطقه اکنون امن‌تر است، پشتوانه‌های مالی دولت‌ها تقویت شده‌اند و بانک مرکزی اروپا مجموعه‌ای از ابزارهای حمایتی برای جلوگیری از اختلال در بازار اوراق قرضه را در اختیار دارد.

همچنین اوراق مشتری‌گه با پشتوانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتشر شده‌اند وجود دارند و از نظر اصولی این ایده آژموده شده است. با این حال، این اوراق هنوز برای ایفای نقش یک دارایی ذخیره‌ای جدی بسیار کوچک هستند و همچنین نسبت به اوراق دولتی فرانسه یا

فرصت اروپا برای پایین کشیدن دلار از جایگاه مسلط اقتصاد جهان

جدی به اقدام قرار دارد؛ روندی که در هفته‌های اخیر نیز پررنگ‌تر شده است.

فایننشال تایمز نوشت: فیلیپ لاین عضو هیات اجرایی بانک مرکزی اروپا در سخنرانی خود در آوریل (فروردین‌ماه) بار دیگر نکات مثبت و منفی این موضوع را یادآور شد. از جنبه مثبت، مجموعه‌ای از اصلاحات در سال‌های اخیر—که اغلب در دل بحران‌ها شکل گرفته‌اند—باعث شده یورویورای نقش بزرگ‌تر آماده‌تر شود. نظام بانکی منطقه اکنون امن‌تر است، پشتوانه‌های مالی دولت‌ها تقویت شده‌اند و بانک مرکزی اروپا مجموعه‌ای از ابزارهای حمایتی برای جلوگیری از اختلال در بازار اوراق قرضه را در اختیار دارد.

همچنین اوراق مشتری‌گه با پشتوانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا منتشر شده‌اند وجود دارند و از نظر اصولی این ایده آژموده شده است. با این حال، این اوراق هنوز برای ایفای نقش یک دارایی ذخیره‌ای جدی بسیار کوچک هستند و همچنین نسبت به اوراق دولتی فرانسه یا

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی نوشت: اروپا به وضوح فرصت این را دارد که دلار را از جایگاه مسلط خود کنار بزند. این که آیا از چنین فرصتی بهره می‌گیرد یا خیر مسئله‌ای دیگر است. در این میان مشتاقان طلا نیز منتظر دیدن واکنش اروپا نمی‌مانند. حمایت از یورو به عنوان ارزی که بتواند واقعاً با دلار در ذخایر ارزی، تجارت و به‌عنوان حلقه پیوند نظام مالی جهانی رقابت کند موضوع تازه‌ای نیست. اما این بحث پس از آنکه آمریکا در پی سیاست‌های تعرفه‌ای جهانی رئیس‌جمهور خود، دونالد ترامپ اتحاد‌های دیرینه جهانی را تضعیف کرد، به‌طور قابل توجهی شدت گرفت.

اظهارات کریستین لاکارد رئیس بانک مرکزی اروپا در ژوئن (خردادماه) سال گذشته مبنی بر اینکه ما در «اسانه» معضوریوروی جهانی» قرار داریم، این امید را ایجاد کرد که آرمان‌های بلندپروازانه زمان شکل‌گیری این ارز مشترک، سرانجام به اقدامات عملی جدی تبدیل شود.

با این حال، اروپا همچنان در مرحله سخنرانی در این باره و دعوت